



Jurisprudential Review of the Responsibility for Compensation for the Ruling Error in Issuing a Decision

Abdoulnabi Mazraemohammadi¹, Rahim Vakilzadeh^{2*}, Reza Ranjbar³

1. PhD student in jurisprudence and law, Tabriz branch, Islamic Azad University, Tabriz, Iran.
2. Assistant Professor, Department of Jurisprudence and Law, Tabriz Branch, Islamic Azad University, Tabriz, Iran.
3. Assistant Professor, Department of Jurisprudence and Law, Tabriz Branch, Islamic Azad University, Tabriz, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Article Type: Original Research

Pages:65-78

Article history:

Received: 7 Oct 2022

Edition: 4 Dec 2022

Accepted: 8 Jan 2023

Published online: 23 Sep 2023

Keywords:

Responsibility, Compensation, Error, Ruler, Judge, Judgment.

Corresponding Author:

Rahim Vakilzadeh

Address:

Iran, Tabriz, Islamic Azad University, Tabriz Branch, Department of Jurisprudence and Law.

Orchid Code:

0000-0003-0443-794X

Tel:

09141160009

Email:

rahim_phd@yahoo.com

ABSTRACT

Background and Aim: Issuing a wrong decision, while it may happen for various reasons, has important material and spiritual effects on the lives of people in the society. The purpose of this article is to examine the legal jurisprudence of the responsibility to compensate for the ruling's error in issuing a decision.

Materials and Methods: This article is descriptive and analytical. The materials and data are also qualitative and data collection has been used.

Ethical considerations: In this article, the texts' originality of, honesty and trustworthiness have been observed.

Results: The findings showed that in issuing a verdict of error, the judge and, accordingly, the government are held responsible and both of them are responsible for their actions and decisions and guarantors of material and moral losses caused by intentional and unintentional fault. The judge's mistake is divided into two parts: guilt and mistake, each of which has a separate legal burden. In case of a mistake, the judge will not be immune from his job and will be prosecuted, the government and the personal property of the judge will be responsible for compensation for the damages caused to the victim in such a way that his professional responsibility in the disciplinary prosecution and the responsibility of the government. The mistake of the judge and the responsibility of his personal property will be crystallized in the fault. Compensation is also possible in the form of restoration to the previous situation, financial payment and restoration of dignity.

Conclusion: In Iranian law, compensation for moral damages has been neglected to some extent, and considering that the issuance of a wrongful verdict in many cases is associated with moral damages rather than financial damages, and it may harm the credibility and dignity of individuals, so it is necessary to pay more attention to it.

Cite this article as:

Mazraemohammadi A, Vakilzadeh R, Ranjbar R. *Jurisprudential Review of the Responsibility for Compensation for the Ruling Error in Issuing a Decision*. Economic Jurisprudence Studies. 2023.



بررسی فقهی حقوقی مسئولیت جبران خسارت خطای حاکم در صدور رأی

عبدالنبی مزرعه محمدی^۱، رحیم وکیل زاد^۲، رضا رنجبر^۳

۱. دانشجوی دکتری فقه و حقوق، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران.

۲. استادیار گروه فقه و حقوق، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران.

۳. استادیار گروه فقه و حقوق، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: صدور رأی خطا ضمن اینکه به دلایل مختلف ممکن است رخ دهد، آثار مادی و معنوی مهمی بر زندگی افراد جامعه دارد. هدف مقاله حاضر بررسی مسئولیت جبران خسارت خطای حاکم در صدور رأی از دیدگاه فقه و حقوق است.

مواد و روش‌ها: مقاله حاضر توصیفی تحلیلی است. مواد و داده‌ها نیز کیفی است و از فیش برداری در گردآوری مطالب و داده‌ها استفاده شده است.

ملاحظات اخلاقی: در این مقاله، اصالت متون، صداقت و امانت‌داری رعایت شده است.

یافته‌ها: یافته‌ها نشان داد در صدور رأی خطا، قاضی و به تبع آن دولت مسئول شناخته شده و آن دو مسئول اعمال و تصمیمات خود و ضامن زیان‌های مادی و معنوی ناشی از تقصیر عمدی و غیرعمدی هستند. خطای قاضی به دو بخش تقصیر و اشتباه تقسیم می‌شود که بر هر یک از آن‌ها بار حقوقی جداگانه‌ای مترتب می‌باشد. در صورت خطای قاضی علاوه بر اینکه شغل او در مصونیت نخواهد بود و تحت تعقیب انتظامی قرار خواهد گرفت دولت و دارایی شخصی قاضی برحسب مورد مسئول جبران خسارات وارده به زیان‌دیده خواهد بود؛ بدین نحو که مسئولیت شغلی او در تعقیب انتظامی و مسئولیت دولت در اشتباه قاضی و مسئولیت دارایی شخصی او در تقصیر تبلور خواهد یافت. جبران خسارت نیز به صورت اعاده به وضعیت سابق، پرداخت مالی و اعاده حیثیت امکان‌پذیر است.

نتیجه: در حقوق ایران، جبران خسارت معنوی تا حدودی مغفول واقع شده و با توجه به اینکه صدور رأی خطا در بسیاری مواقع بیش از خسارت مالی، با خسارت‌های معنوی همراه است و اعتبار و حیثیت افراد را ممکن است خدشه‌دار نماید، بنابراین لازم است بیش از پیش مورد توجه قرار گیرد.

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۶۵-۷۸

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۷/۱۵

تاریخ اصلاح: ۱۴۰۱/۰۹/۱۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۰/۱۸

تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۰۷/۰۱

واژگان کلیدی:

مسئولیت، جبران خسارت، خطا، حاکم، قاضی، صدور رأی

نویسنده مسئول:

رحیم وکیل زاده

آدرس پستی:

ایران، تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تبریز، گروه فقه و حقوق

تلفن:

09141160009

کد ارکید:

0000-0003-0443-794X

پست الکترونیک:

rahim_phd@yahoo.com

۱. مقدمه

در صدور رأی در نظام قضایی ممکن است خطا روی دهد. طبیعت قضاوت با مشکلاتی هم- چون احتمال خطا و اشتباه همراه است. اعطای مصونیت به قضات نباید منجر به تقصیر، کوتاهی یا بی‌مبالاتی و تضییع حقوق افراد جامعه شود. زیرا چه بسا که شخص مظنون به ارتکاب جرم به مقام قضایی تعقیب، توقیف و مجازات می‌شود یا خوانده دعوا براساس ادله موجود محکوم بر پرداخت مالی یا توقیف اموال و یا ممنوعیت از معامله و مانند آن می‌شود و اما پس از مدتی ثابت می‌شود که آن حکم یا قرار بر مبنای برداشت اشتباهی قضایی یا تدلیس و نیرنگ در اقامه دعوا یا شهادت کذب و یا جعل اسناد و مانند آن صادر شده است. در این صورت خسارت ایجاد شده برای طرفی از دعوا که رای به اشتباه علیه وی صادر شده است از مسائل محل بحث است. از یک طرف قضات دارای مصونیت هستند و از طرف دیگر در نتیجه رای اشتباه قضایی برای یکی از طرفین دعوا خسارت ایجاد شده است.

آنچه بررسی مسئله مورد اشاره را ضروری ساخته است، وقوع اشتباهات قضات با توجه به حجم بالای دعاوی در مجاری قضایی است که می‌تواند سرنوشت پرونده‌ها را کاملاً تغییر دهد. این امر در عدم تحقق عدالت قضایی هر چند به صورت سهوی تاثیرگذار است. لذا مهم و ضروری است که رویکرد فقه و حقوق موضوعه در این خصوص تبیین و تحلیل شود.

در خصوص مسئولیت دولت و قضایی پژوهش‌های متعددی انجام شده است: سید مهدی میر داداشی، در مقاله‌ای، مبانی فقهی حقوقی

مسئولیت مدنی دولت را بررسی کرده است (میرداداشی، ۱۳۹۲). محمد جواد شریعت باقری نیز در مقاله‌ای از چرایی و چگونگی تعیین قانون حاکم بر مسئولیت مدنی بحث کرده است (شریعت باقری، ۱۳۹۴). همچنین بهرام انواری اغلوبیگ و سید محمد صادق موسوی، در مقاله‌ای به بررسی واکاوی مستندات مسئولیت قانونی مبتنی بر تقصیر قاضی پرداخته‌اند (بهرام انواری اغلوبیگ؛ موسوی، ۱۹۶). در مقاله حاضر اما تلاش شده با توجه به مصونیت قاضی به بررسی مسئولیت جبران خسارت خطای حاکم در صدور رأی پرداخته شود که نوآوری مقاله است. بر اساس آنچه گفته سوال مقاله بدین شکل قابل طرح است که اگر شخصی در اثر خطا و یا تقصیر قضایی به مجازاتی محکوم و یا به پرداخت مال یا خسارتی محکوم شد ولی سرانجام بی‌گناهی او ثابت گردید، چه کسی مسئول خسارت‌های مادی یا معنوی اوست؟ قاضی یا دولت به‌عنوان مسئول اعمال قضایی؟ و سرانجام شیوه جبران خسارت چگونه است؟ به منظور بررسی موضوع اشاره ابتدا، مسئولیت جبران خسارت صدور رأی خطا از منظر فقهی حقوقی، سپس انواع خسارت ناشی از صدور رأی خطا بررسی شده و در ادامه از شیوه‌های جبران خسارت و مرجع رسیدگی و تعیین میزان خسارت بحث شده است.

۲. مواد و روش‌ها

مقاله حاضر توصیفی تحلیلی است. مواد و داده‌ها نیز کیفی است و از فیش برداری در گردآوری مطالب و داده‌ها استفاده شده است.

۳. ملاحظات اخلاقی

در این مقاله، اصالت متون، صداقت و امانت‌داری رعایت شده است.

۴. یافته‌ها

یافته‌ها نشان داد در صدور رأی خطا، قاضی و به تبع آن دولت مسئول شناخته شده و آن دو مسئول اعمال و تصمیمات خود و ضامن زیان‌های مادی و معنوی ناشی از تقصیر عمدی و غیرعمدی هستند. خطای قاضی به دو بخش تقصیر و اشتباه تقسیم می‌شود که بر هر یک از آن‌ها بار حقوقی جداگانه‌ای مترتب می‌باشد. در صورت خطای، قاضی علاوه بر اینکه شغل او در مصونیت نخواهد بود و تحت تعقیب انتظامی قرار خواهد گرفت دولت و دارایی شخصی قاضی برحسب مورد مسئول جبران خسارات وارده به زیان دیده خواهد بود بدین نحو که مسئولیت شغلی او در تعقیب انتظامی و مسئولیت دولت در اشتباه قاضی و مسئولیت دارایی شخصی او در تقصیر تبلور خواهد یافت. جبران خسارت نیز به صورت اعاده به وضعیت سابق، پرداخت مالی و اعاده حیثیت امکان‌پذیر است.

۵. بحث

در این قسمت مبانی نظری پژوهش مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد.

۵-۱. مسئولیت جبران خسارت صدور رأی خطا از منظر فقهی

در حقوق اسلام فقها بجای اصطلاح مسئولیت لفظ ضمان را به کار برده‌اند (تا جمیری، ۱۳۷۵، ج ۴، ۴۰). مطابق قاعده ضمان در فقه، هرکس مسئول اعمال و رفتار خود می‌باشد. حکومت نیز از این قاعده مستثنا نیست. اما باید توجه داشت که برای

بررسی مسئولیت حاکم در صدور رأی خطا، ناگزیر بحث مسئولیت قاضی به میان مطرح می‌شود. زیرا قضاوت از منصب‌های حکومتی است. در آیه ۲۵ سوره صاد آمده است: «ای داود ما تو را خلیفه و جانشین خود در زمین قرار دادیم پس بر اساس این موقعیتی که به تو داده شده است در میان مردم براساس حق قضاوت کن و در این قضاوت پیروی از تمایلات و هواهای نفسانی نکن». طبق این آیه قضاوت از منصب‌های حکومتی و از ارکان اعمال حاکمیت محسوب می‌شود.

مسئولیت قضاوت در پرداخت خسارت در دو حالت قابل بررسی است. حالت اول اشتباه یا تقصیر عمدی است. در این حالت، اگر قاضی عمداً به غلط قضاوت کند و خوی وی نیز اعتراف نماید یا با دلایل و بینه قوی اثبات شود که رای وی از عمد اشتباه صادر شده است، چنانچه موضوع محل دعوی مالی باشد، ضامن است و باید جبران خسارت نماید و در صورتی که رای صادر شده در خصوص عقوبت و مجازات است باید از منصب قضاوت عزل شود (ابن فرحون، ج ۱، ۷۹).

در حالت دوم، اشتباه و تقصیر سهوی قاضی است. در اکثر کتب فقهی (حرعاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۹، ۱۱۱؛ نجفی، ۱۴۰۴، ج ۴۰، ۳۲) در رابطه با اشتباه و خطای قاضی یا تقصیر او، روایت اصبع بن نباته از حضرت علی علیه‌السلام بر این مضمون ذکر شده که آنچه قضاوت در خون یا قطع (عضو) خطا کنند، بر عهده بیت‌المال مسلمین است (شیخ صدوق، ۱۳۶۷، ج ۳، ۱۱). بر طبق این روایت در فقه امامیه چنانچه در اثر خطا یا اشتباه قاضی در صدور حکم صدمه و لطمه‌ای بر دیگری وارد آید، خود وی مسئولیتی در پرداخت غرامت ناشی از

راه را که موجب ضرر نیکوکاران شود ممنوع ساخته و هرگونه ملامت و ندامت بر ایشان را نفی کرده است و این حکم را نیز آیه «هل جزاء الاحسان الا الاحسان» (الرحمن، ۶) تأیید می‌کند که از آن نتیجه گرفته می‌شود. هیچ ضمان و غرامتی بر نیکوکاران تحمیل نمی‌شود احسان به کار مشروعی می‌گویند که برای جلب منفعت و یا دفع ضرر از دیگران انجام می‌شود پس اگر قاضی که قصد احسان دارد به واسطه اشتباه و خطا بر دیگری ضرر وارد ساخت ضمان بر خودش تحمیل نمی‌شود.

در خصوص تقصیر اما برخی فقها اعتقاد دارند در تمام موارد که حاکم حکم می‌کند مانند قتل و جراحت و مسائل مالی شقوقاتی وجود دارد از قبیل اینکه عالم به مسئله و به حکم بوده یا جاهل عمد بوده یا خطا بر حکم و بر مسأله احاطه داشته یا نداشته، قاصر، بوده یا مقصر در صورتیکه عالم بوده و طبق دستور حکم صادر شده و در حکم مقصر نبوده خطا کرده باشد و در همه موارد دیه پرداخت خسارت بر بیت المال است و در غیر اینصورت خود قاضی ضامن خواهد بود (محقق حلی، ۱۴۰۸، ج ۲، ۳۴). از این منظر در صورت تقصیر ناشی از سهل‌انگاری قاضی در صدور رای خطا، خود قاضی ضامن است. بر این اساس، اگر قاضی در مستند حکمش دچار تقصیر شود، مثل اینکه به جلد یا قطع یا قتل انسانی به استناد شهادت شهود حکم کند و حکم اجرا شود و بعد معلوم شود که شهود اهلیت شهادت نداشته‌اند، مثل اینکه کافر، فاسق یا نابالغ بوده‌اند، هرگاه ثابت شود که قاضی در مورد شهود تحقیق نکرده یا در این زمینه سهل‌انگاری کرده، خود قاضی ضامن است (انصاری، ۱۴۱۰، ج ۹، ۳۶) بر این اساس، هرگاه قاضی بر اساس شهادت دو نفر بر

خطای خود نداشته بلکه این امر به عهده بیت‌المال می‌باشد. در ارتباط با خطای قاضی یا تقصیر در صدور حکم مرحوم سید محمد کاظم طباطبایی صاحب عروه الوثقی (طباطبایی یزدی، ۱۴۲۱، ج ۳، ۲۹-۲۸-۳۹) اظهار می‌دارد هرگاه خطای قاضی در حکمی که صادر نموده روشن شود حکم مزبور نقض می‌شود در این صورت هرگاه به حکم مزبور عمل نشده باشد اشکالی ندارد ولی اگر عمل شده باشد یا حکم ناظر به قتل و قطع عضو است، یا راجع به مال، چنانکه حکم مزبور در مورد قتل یا قطع عضو باشد و قاضی در حکمی که صادر نموده جائر و مقصر نباشد، به طور حتم قصاص بر او نیست و دیه مقتول یا مصدوم با استفاده از خبر اصبع بن نباته از علی علیه‌السلام مبنی بر اینکه در آنچه قضات در خون یا قطع (عضو) خطا کنند برعهده بیت‌المال مسلمین است، از بیت‌المال پرداخت خواهد شد (شیخ صدوق، ۱۳۹۸، ج ۱، ۲۱۱). خطای قاضی در مواردی که سبب قتل شود، پرداخت کفاره واجب است و بنابر عقیده شهید ثانی در این مورد نیز کفاره باید از بیت‌المال داده شود (شهید ثانی، ۱۴۱۰، ج ۲، ۳۵۳). علامه حلی نیز معتقد است دیه او بر عهده بیت‌المال است (حلی، ۱۴۱۳، ج ۲، ۲۶۱). همچنین در کتب فقهی به قاعده‌ای مشهور اشاره شده که مطابق آن اگر قاضی خطا کند و موجب قتل و جرح شود بیت‌المال ضامن است دلایلی برای این امر بدین گونه بیان شده که قاضی قصد احسان دارد (ره پیک، ۱۳۹۹، ۱۲۵-۱۲۶). یکی دیگر از مستندات مسئولیت جبران خسارت صدور رأی خطا از منظر فقهی، قاعده احسان است. مطابق این قاعده: «راهی برای مؤاخذه نیکوکاران وجود ندارد» (توبه، ۹۱) و در تعبیر آن گفته شده که خداوند بدین وسیله هر

چنانچه قاضی مرتکب تقصیر شود شخصاً مسئول جبران خسارت وارده است. نظریه مسئولیت غیر مستقیم دولت چنین بیان می‌کند که سازمان‌های دولتی در راستای وظایف خود مستقیماً مقصر محسوب نمی‌شوند. باید بین خطا و تقصیر اداره و خطا و تقصیر کارمندان اداره تفکیک قائل شد جبران خسارت باکسی است که وارد کننده زیان است که این حکم به وجود آورنده و ایجادکننده دو نظریه در دو بند متفاوت می‌باشد. یعنی این که خطای قاضی توسط دولت تعریف و مشخص می‌شود و به عبارتی حدود اشتباه و تقصیرات قبلاً برای دستگاه دولتی معین شده، حال اگر اشتباه یا خطا از دولت خارج شود در اینجا خود فرد مسئول است اما اگر خطا در محدوده مشخص شده از ناحیه دولت باشد دولت مسئولیت جبران خواهد داشت یعنی ضابطه تفکیک خطای اداری از خطای شخصی را باید در اعمال غیر مرتبط با وظایف اداری جستجو کرد لذا در جایی که تشخیص بر خطای اداری، باشد دولت مسئول است و در مقابل اگر تشخیص بر شخصی بودن خطا باشد مطابق با قواعد کلی مسئولیت عمل شود و می‌باید به سراغ زیان زننده رفت.

همچنین مطابق اصل ۱۷۱ قانون اساسی: «هرگاه در اثر تقصیر یا اشتباه قاضی در موضوع یا در حکم یا در تطبیق حکم بر مورد خاص، ضرر مادی یا معنوی متوجه کسی گردد، در صورت تقصیر، مقصر طبق موازین اسلامی ضامن است و در غیر این صورت خسارت به وسیله دولت جبران می‌شود، و در هر حال از متهم اعاده حیثیت می‌گردد». بر این اساس، «چنان چه اشتباه ناشی از تقصیر یا عمد قاضی باشد خود او ضامن خواهد بود مقصود از تقصیر شغلی قاضی عبارت است از ارتکاب عملی که قاضی از آن منع شده و یا ترک

شارب خمر اجرای حد کند و آن شخص نیز در اثر اقامه حد بمیرد و سپس معلوم شود آن شهود فاسق بوده‌اند، در این صورت ضمان و مسئولیت دیه بر عهده قاضی است؛ زیرا وظیفه قاضی این بوده است که تحقق نماید و به وظیفه‌اش عمل نکرده است (ابن ادریس حلی، ۱۳۹۰، ج ۳، ۴۷۹) در واقع در مقایسه با مفهوم تقصیر قاضی و با توجه با عنصر معنوی جرم، اشتباه قاضی را تعریف کرده‌اند. به عنوان مثال اشتباه قاضی وقتی است که وی بدون نیت و قصد و به دلایل دیگر عملاً موجب ضرر و زیان بشود و در این صورت ضمان متوجه دستگاه قضایی است و عدم مسئولیت قاضی در صورت اشتباه امری منطقی است.

۵-۲. مسئولیت جبران خسارت صدور رأی خطا از منظر حقوقی

از منظر حقوقی، «خطا یا تقصیر اداری عبارت از نقض قوانین و مقررات اداری که عمدتاً بر محورهایی هم‌چون اعمال حقوقی غیرقانونی تخطی از صلاحیت‌ها و خودداری از انجام وظایف قانونی استوار است» (موسی زاده، ۱۳۷۸، ۲۵۴)؛ و یا خطای اداری عملی است که ممکن است مستخدم به آن علت مسئول واقع شود و از جهت انضباطی در دادگاه اداری تعقیب و محاکمه شود (ابوالحمد، ۱۳۷۶، ۲۹۳). پس هرگاه سازمان و نهاد دولتی یا کارمند به این موارد مبادرت ورزد می‌توان گفت تقصیر اداری به وقوع پیوسته است. طبق ماده ۱۱ قانون مسئولیت مدنی دولت به طور مطلق مسئول قرار گرفته که شامل مؤسسات و سازمان‌های دولتی و محلی یعنی شهرداری‌ها و مؤسسات وابسته به آن می‌شود. از آنجا که قاضی ممکن است در انجام امور محوله دچار اشتباه شود، در اینجا بحث اشتباه قاضی مطرح می‌شود.

نیست: الف) بازداشت شخص ناشی از خودداری در ارائه اسناد مدارک و ادله بی‌گناهی خود باشد. ب) به منظور فراری دادن مرتکب جرم خود را در مظان اتهام و بازداشت قرار داده باشد. پ) به هر جهتی به ناحق موجبات بازداشت خود را فراهم آورده باشد. ت) هم زمان به علت قانونی دیگر بازداشت باشد». طبق این ماده هنگامی که بازداشت شخص ناشی از خودداری از ارائه سند و مدرک باشد و نخواهد اسناد را برای دال بر بی‌گناهی خود ارائه دهد، نمی‌تواند طلب خسارت کند. در بند بعدی این ماده از قانون آیین دادرسی کیفری آمده است که «فردی که مرتکب اصلی را فراری می‌دهد و خودش را متهم جلوه می‌کند نیز نمی‌تواند از این پتانسیل قانونی استفاده کند. مصداق این مسئله را می‌تواند در تصادفات رانندگی دید که کسی که پشت فرمان بوده است و مرتکب جرمی می‌شود را فراری می‌دهند و فرد دیگری را به عنوان مرتکب معرفی می‌نمایند و نیز دسته سوم افرادی که نمی‌توانند خسارت دریافت کنند، هنگامی است که به نوعی فرد موجبات بازداشت خودش را فراهم کرده است». مصداق این بند زندانیان فصلی هستند، مخصوصاً معتادینی که به گونه‌ای سعی می‌کنند در زندان‌ها برای رفع نیازهای خود وارد زندان شوند. همچنین فردی که هم زمان به علت دیگری هم بازداشت بوده است، نمی‌تواند از خسارت ایام بازداشت بهره‌مند بشود. طبق ماده ۲۵۷ ق.ا.د.ک. که مقرر می‌دارد شخصی که بازداشت شده است «ظرف شش ماه از ابلاغ رأی قطعی بی‌گناهی می‌تواند ادعا کند و درخواست خسارت را به کمیسیون استانی اعلام کند». کمیسیون استانی متشکل از ۳ قاضی تجدیدنظر است که در مورد خسارت مادی یا معنوی حکم

کاری است که قاضی برای حفظ حقوق و آزادی‌های طرفین دعوی ملزم به رعایت آن بوده، ولی در نتیجه ارتکاب تقصیر ضرر و زیان مادی یا معنوی متوجه کسی شود» (توکلی، ۱۳۸۲، ۳۶). «در واقع، مقصود از تقصیر شغلی قاضی عبارت است از ارتکاب عملی که قاضی از آن منع شده و یا ترک کاری است که قاضی برای حفظ حقوق و آزادی‌های طرفین دعوی ملزم به رعایت آن بوده ولی در نتیجه ارتکاب تقصیر، ضرر و زیان مادی یا معنوی متوجه کسی شود. به موجب ماده ۹۵۳ قانون مدنی تقصیر اعم از تعدی و تفریط بوده و ماده ۹۵۱ تعدی را تجاوز نمودن از حدود اذن یا متعارف تعریف کرده است. قضات نیز مانند هر صنف دیگری در ایفای وظایف خویش تابع قوانین گوناگونی هستند و در صورت تجاوز از آن، قوانین به هنگام رسیدگی به دعاوی و صدور حکم و ایراد خسارت؛ مقصر شناخته شده و در نتیجه مسئولیت قانونی متوجه آنان خواهد شد» (بهرامی احمدی، ۱۳۸۲، ۱۶).

علاوه بر این، مطابق ماده ۲۵۵ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲، «کسانی که در جریان تحقیقات مقدماتی و دادرسی به هر علت بازداشت می‌شوند و حکم برائت یا منع تعقیب در مورد آنان صادر شود می‌توانند خسارت ایام بازداشت شده را از دولت دریافت کنند». طبق ماده ۲۵۹ قانون مورد اشاره، «جبران خسارت موضوع این ماده بر عهده دولت است و در صورتی که بازداشت بر اثر اعلام مغرضانه جرم، شهادت کذب و یا تقصیر مقامات قضائی باشد، دولت پس از جبران خسارت می‌تواند به مسئول اصلی مراجعه کند». بر اساس ماده ۲۵۶ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، «در برخی موارد به شرح زیر، فردی که بی‌گناه بازداشت شده، مستحق جبران خسارت

«عدم‌النفع» به دو نوع محقق» و «محمتمل است و آنچه قابل جبران شناخته شده، عدم‌النفع محقق است؛ یعنی منفعت و فایده‌ای که مقتضای حصول آن فراهم گردیده است و چنانچه به دست آوردن منفعت محتمل باشد به آن گونه که تحصیل آن بستگی به تحقق عوامل و شرایط مختلف داشته باشد جبران آن عقلایی نیست؛ به عنوان مثال بازداشت غیرقانونی کارگری که شاغل به کار است بدون هیچ شکی موجب ورود خسارت از نوع عدم‌النفع به او می‌شود زیرا مقتضای حصول منفعت - دستمزد - با شاغل بودن کارگر حاصل شده است. حال اگر همین شخص هنگام خرید روزنامه برای یافتن کار و در حال عبور از خیابان تصادف، نماید ادعای جبراً ران خسارت وی مبنی بر اینکه چنانچه تصادف نمی‌کرد روزنامه می‌خرید و شغلی پیدا می‌کرد و با تصدی آن شغل منافی به دست می‌آورد به خاطر محتمل بودن آن و دخیل بودن عوامل و شرایط دیگری در تحصیل آن منفعت از جمله یافتن کار در روزنامه پذیرش وی در آن شغل و غیره مسموع نمی‌باشد.

۵-۳-۲. خسارت معنوی

ضرر معنوی عبارت است از «ضرری که متوجه حیثیت، شرافت و آبروی شخص یا بستگان او که بالنتیجه متوجه او شده باشد، گردد» (جعفری لنگرودی، ۱۳۶۸، ۲۶۲). در تعریف دیگر آمده است: «خسارت معنوی عبارت است از کسر حیثیت یا اعتبار اشخاص یا صدمات روحی؛ به تعبیر دیگر خسارت معنوی زیانی است که به حیثیت یا آبرو یا عواطف و احساسات شخص وارد شده باشد». خسارت معنوی مصادیق متعددی دارد، مانند از بین رفتن آبرو یا صدمات روحی که جنبه غیرمالی دارد. در این قبیل خسارات به سبب این غیرقابل

صادر می‌کنند و حکم کمیسیون‌های استانی قابل اعتراض در کمیسیون ملی هست که «طبق ماده ۲۵۸، کمیسیون ملی تعیین خسارت را تشکیل دادند که متشکل است از قضات دیوان عالی که به انتخاب رئیس قوه قضاییه مشخص می‌شوند».

۵-۳-۱. انواع خسارت ناشی از صدور رأی خطا

این موارد عبارتند از:

۵-۳-۱. خسارت مادی

خسارت مادی: «زیانی است که در نتیجه از بین رفتن اعیان اموال (مانند سوختن خانه و کشتن حیوان یا کاهش ارزش اموال مانند احداث کارخانه‌ای که از بهای املاک مجاور بکاهد و مالکیت معنوی (مانند صدمه رساندن به شهرت، نام تجاری و علامت صنعتی) یا از بین رفتن منفعت و حق مشروع به شخص می‌رسد» (کاتوزیان، ۱۳۷۴، ج ۱، ۱۴۲). «پس ضرر و زیان مادی عبارت است از ضرر و زیانی که به جسم یا مال انسانی وارد می‌شود و موجب کاهش حقوق مالی و منافع قانونی فرد می‌گردد. خسارات مادی می‌تواند شامل خسارات وارد به مال جان و عدم‌النفع باشد. عدم‌النفع عبارت است از ممانعت از وجود پیدا کردن منفعتی که مقتضای آن حاصل شده است؛ مانند توقیف غیرقانونی شاغل به کار که موجب حرمان او از گرفتن مزد شده باشد» (جعفری لنگرودی، ۱۳۶۸، ۴۴۵). عدم‌النفع در فقه نیز پذیرفته شده در این خصوص گفته شده است: «ضرر عبارت است از فوت یا نقص آنچه انسان واجد آن است؛ خواه نفس باشد یا عرض یا مال یا جوارح بلکه عدم‌النفع نیز چنانچه موجبات و مقدماتش کامل شده باشد، ضرر محسوب می‌شود (میرزای نائینی، ۱۳۷۳، ۱۹۸). قابل ذکر است که

ارزیابی مادی بوده و نمی‌توان آن را به پول تقویم کرد. تجاوز به حقوق غیرمالی انسان حتی لطمه زدن به احساسات دولتی، خانوادگی و مذهبی و نیز درد و رنجی که در نتیجه حادثه‌ای عارض شخص می‌شود امروزه می‌تواند مجوز مطالبه خسارت معنوی باشد.

«قانون مسؤولیت مدنی مصوب ۱۳۳۹ نیز با پذیرش انواع ضرر و زیان، مطالبه جبران آن را تجویز نموده است. اما قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب ۱۳۷۸ با حذف ضرر و زیان معنوی از شمار ضرر و زیان‌های قابل مطالبه در جهت جبران این‌گونه خسارت‌ها گامی به عقب نهاد» (اسدی، ۱۳۸۱، ۱۴) ماده ۹ قانون فوق‌الذکر ضرر و زیان قابل مطالبه را به شرح ذیل مقرر داشته است: «۱) ضرر و زیان مادی که در نتیجه ارتکاب جرم حاصل شده است. ۲) منافی که ممکن الحصول بوده و در اثر ارتکاب جرم مدعی خصوصی از آن محروم و متضرر شود». «چنانچه عدم امکان تقویم زیان‌های معنوی با پول فلسفه حذف خسارت معنوی از ماده ۹ باشد، باید گفت اگرچه هیچ ضرر معنوی به طور کامل با پول جبران نمی‌شود اما نقش جبران ضرر و زیان نقشی واقعی نیست بلکه نقشی صرفاً ارضایی است و چه بسا بسیاری از ضررهای مادی نیز عیناً به‌طور واقعی قابل جبران و بازگشت نباشد؛ مثلاً شخصی که در اثر تصادف پای خود را از دست داده است با دریافت دیه پای خود را به دست نخواهد آورد، اگرچه می‌تواند با خرید پای مصنوعی تا حدی این نقیصه را جبران نماید امور معنوی نیز چنین است» (ره پیک، ۱۳۹۹، ۱۲۵-۱۲۶). «آن چه تاکنون از آن صحبت شد انواع خسارت‌های قابل مطالبه از طرف زیان دیده است که عامل ایجاد

آن عملی مجرمانه یا فاقد اوصاف مجرمانه بوده و به طور کلی، توسط اشخاص ایجاد شده است. اما بحث ما در خصوص جبران زیان‌های وارده بر اثر صدور احکام قضایی ناشی از اشتباه می‌باشد و در جهت تکمیل مباحث قبلی باید گفت که جبران ضرر و زیان مادی و معنوی ناشی از اشتباه قاضی در اصل ۱۷۱ قانون اساسی و ماده ۵۸ قانون مجازات اسلامی به صراحت پذیرفته شده است و این صراحت راه را بر بروز هرگونه ابهامی در جهت مطالبه ضرر و زیان معنوی وفق ماده ۹ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری بسته است» (کاتوزیان، ۱۳۷۴، ج ۱، ۱۴۲). ماده ۵۸ قانون مجازات اسلامی نیز که برگرفته از همین اصل است با اشاره به ضرر و زیان‌های مادی و معنوی چنین مقرر داشته است: «هرگاه در اثر تقصیر یا اشتباه قاضی در موضوع یا در تطبیق حکم بر مورد خاص، ضرر مادی یا معنوی متوجه کسی گردد، در مورد ضرر مادی در صورت تقصیر، مقصر طبق موازین اسلامی ضامن است و در غیر این صورت خسارت به وسیله دولت جبران می‌شود و در موارد ضرر معنوی چنانچه تقصیر یا اشتباه قاضی موجب هتک حیثیت از کسی گردد، باید نسبت به اعاده حیثیت او اقدام شود» به طور کلی چنانچه در ماده ۵۸ نیز اشاره شده است باید از زیان دیده اعاده حیثیت نمود. اعاده حیثیت به موجب ماده ۱۰ قانون مسؤولیت مدنی، صورت می‌گیرد. براساس این ماده «هرگاه اهمیت زیان و نوع تقصیر ایجاب نماید، دادگاه می‌تواند در صورت اثبات تقصیر، علاوه بر صدور حکم به خسارت مالی، به رفع زیان از طریق دیگر از قبیل الزام به عذرخواهی و درج حکم در جراید و امثال آن اقدام نماید» (توکلی، ۱۳۸۲، ۶۴). در اصل ۱۷۱ قانون اساسی نیز به جبران ضرر مادی و معنوی

دریافت نموده و پس از ثبت در دفتر مخصوص و تسلیم رسید به شاکی حداکثر ظرف یک هفته. به دادسرای انتظامی قضات ارسال نمایند.» «رسیدگی به دعوی جبران خسارت ناشی از اشتباه یا تقصیر قاضی موضوع اصل یکصد و هفتاد و یکم (۱۷۱) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در صلاحیت دادگاه عمومی تهران است. رسیدگی به دعوی مذکور در دادگاه منوط به احراز تقصیر یا اشتباه قاضی در دادگاه عالی انتظامی قضات است. به تخلفات انتظامی قضات در دادگاه عالی و به موجب کیفرخواست دادستان و در محدوده کیفرخواست رسیدگی می‌شود» (یوسفی آهنگر کلایی، ۱۴۰۰، ۱۲۱). «تبصره ماده ۱۸ قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب مصوب ۱۳۷۳ در خصوص تعیین مرجع رسیدگی کننده به اعلام اشتباه از مرجع تجدیدنظر نام می‌برد و مقرر می‌دارد در مورد بندهای ۱ و ۲ قاضی صادرکننده رأی یا قاضی دیگری پی به اشتباه ببرد مرجع تجدیدنظر رأی را نقض و رسیدگی می‌نماید و در مورد بند ۳ (قاضی صادرکننده رأی صلاحیت رسیدگی و انشاء رأی را نداشته باشد) مرجع تجدیدنظر بدو به اصل ادعای عدم صلاحیت رسیدگی و در صورت احراز رسیدگی مجدد را انجام خواهد داد. بنابراین قانون فوق صرفاً به عنوان «مرجع تجدید نظر» اشاره کرده است» (ملک‌زاده، ۱۳۹۵، ۱۸).

بعد از تصویب قانون نظارت بر رفتار قضات مصوب ۱۳۹۰/۲۷ تکلیف دو ابهام مشخص گردید اولاً مرجع تشخیص تقصیر یا اشتباه قاضی مشخص شد و قانون مرجع صالح برای رسیدگی به تقصیر یا اشتباه قاضی را دادگاه عالی انتظامی قضات تشخیص داده اکنون با تصویب آن، به استناد شق دوم ماده ۳۰ قانون یادشده مرجع

اشاره شده است. بدین ترتیب که ضرر مستقیم مادی و ضرر از دست دادن منفعت از موارد خسارت مادی به شمار می‌رود که در صورت اثبات ورود خسارت، قاضی یا دولت ضامن خواهد بود.

۴-۵. مرجع تشخیص اشتباه قاضی و چگونگی جبران خسارت

مرجع تشخیص اشتباه قاضی، دادستان و دادگاه عالی انتظامی قضات است. «در حقوق ایران به موجب قانون نظارت بر رفتار قضات مصوب ۳۹۰ و آیین‌نامه نحوه بازرسی نظارت و ارزشیابی رفتار و عملکرد قضات مصوب ۱۳۹۲ رسیدگی به تخلفات قضات توسط دادستان و دادگاه عالی انتظامی قضات صورت می‌گیرد» (ملک‌زاده، ۱۳۹۵، ۱۷). طبق ماده ۷ قانون فوق‌الذکر، «به تخلفات کلیه قضاتی که به حکم رئیس قوه قضائیه به سمت قضائی منصوب می‌شوند در دادگاه عالی و دادسرای انتظامی قضات رسیدگی می‌شود». همچنین طبق ماده مذکور «تخلفات اعضاء دادگاه‌های عالی و عالی تجدیدنظر و دادستان توسط هیأتی مرکب از رؤسای شعب دیوان عالی کشور که با حضور دو سوم آنان رسمیت می‌یابد رسیدگی می‌شود. رسیدگی در این هیأت منوط به صدور کیفرخواست از جانب دادستان کل کشور است. به تخلفات اداری قضاتی که در زمان ارتکاب دارای سمت اداری بوده‌اند، در دادگاه عالی رسیدگی می‌شود و به تخلفات انتظامی شخصی که از شغل قضائی به شغل اداری انتقال یافته است در صورتی که تخلف مربوط به زمان تصدی وی در شغل قضائی گردد نیز در دادسرا رسیدگی می‌گردد. رؤسا دادگستری مراکز استان‌ها موظف‌اند شکایات انتظامی مردم در برابر قضات را

انتظامی قاضی و تعیین اشتباه یا تقصیر قاضی و سپس تقدیم دادخواست به طرفیت قاضی در دادگاه عمومی تهران می‌باشد.

در خصوص روش‌های جبران خسارت ناشی از صدور رأی خطا باید گفت که اعاده به وضعیت سابق یا ترمیم عینی اولین روش است. «در مواردی که امکان ترمیم عینی و اعاده وضعیت به حالت سابق وجود دارد، جبران خسارت از راه‌های دیگر غیر موجه می‌باشد؛ زیرا بهترین نوع جبران خسارت، ترمیم عینی است؛ مثلاً چنانچه حکم صادره اشتباه که به اجرا درآمده است مبنی بر خلعید از ملک است، از وضعیت متصرف قبلی بر ملک که بر مبنای حکم اشتباه از آن خلعید شده است می‌توان جبران خسارت نمود. ضمناً مطالبه خسارت بابت ایامی که ذی‌حق در انتفاع از مال خویش محروم بوده است و جبران آن توسط مقصر مطابق قاعده تسبیب ممکن است» (اسدی، ۱۳۸۱، ۱۳).

روش دیگر جبران مالی است. «در مواردی که ترمیم عینی غیرممکن است جبران مالی می‌تواند پاسخگوی زیان دیده باشد مثلاً هرگاه در اثر حکم به قلع و قمع و تخریب به اشتباه ملک تخریب گردیده است. با نظر کارشناس می‌توان میزان خسارت وارده را تقویم و نسبت به پرداخت معادل ریالی آن خسارت اقدام و بدین ترتیب جبران ضرر نمود. در مثال بالا نیز چنانچه متصرف ذی‌حق در ملک که به اشتباه حکم بر خلعید وی داده شده است. مطالبه خسارت ناشی از عدم‌النفع مدتی که از ملک اخراج گردیده است را بنماید با تقویم منافع ملک در مدتی که از تصرف ذی‌حق خارج گردیده است می‌توان از نظر مالی جبران خسارت نمود» (موسوی کرمانشاهی، ۱۳۹۳، ۷۹).

رسیدگی به تقصیر یا اشتباه قاضی دادگاه عالی انتظامی قضات است که در قسمتی از آن مقرر می‌دارد رسیدگی به دعوای مذکور در دادگاه عمومی منوط به احراز تقصیر یا اشتباه قاضی در عالی است. «ثانیاً مرجع رسیدگی به دعوای مذکور به طرفیت دولت یا قاضی خاطی تعیین گردید و ابهام صلاحیت ذاتی و محلی مرتفع شد به تعبیری اگر پیش از این بر اساس استنباط حقوقی، گفته می‌شد مرجع رسیدگی به دعوی جبران ضرر و زیان ناشی از تقصیر و اشتباه قاضی دادگاه حقوقی عمومی بوده است بدون اینکه بتوان به صلاحیت محل وقوع تخلف یا ورود ضرر و یا مرکز استان یا تهران نظر داد اما اکنون به تکیه بر نص صریح قانون می‌توان گفت مرجع رسیدگی به دعوی مدنی به طرفیت دولت یا قاضی خاطی دادگاه عمومی تهران است و شق اول ماده ۳۰ قانون یادشده مقرر می‌دارد رسیدگی به دعوای جبران خسارت ناشی از اشتباه یا تقصیر موضوع اصل یک‌صد و هفتاد و یکم (۱۷۱) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در صلاحیت دادگاه عمومی تهران است.

پس از تصویب قانون نظارت بر رفتار قضات مصوب ۱۳۹۰ دو مورد از موانع جدی پیش روی اقامه دعوی بطرفیت دولت و قاضی مرتفع گردید یکم مرجع احراز تقصیر یا اشتباه قاضی تعیین گردید. دوم صلاحیت دادگاه رسیدگی کننده مشخص شد. بدین ترتیب که مرحله نخست شکایت انتظامی در دادسرای انتظامی قضات و به تبع آن دادگاه عالی انتظامی است و مرحله دوم تقدیم دادخواست به طرفیت دولت یا قاضی خاطی در و به عبارتی نخست شکایت انتظامی در دادسرا و دادگاه عالی انتظامی قضات و دادگاه عمومی تهران می‌باشد تحصیل محکومیت

صادر نماید ضمان مالی و پرداخت دیه بر عهده‌ی شخص او خواهد بود. در حقوق موضوعه نیز بر طبق قواعد عمومی مسئولیت- مدنی هر شخص مسئول جبران خساراتی است که به دیگران وارد می‌کند. قانون اساسی جمهوری ایران بارفع هرگونه ابهام در این زمینه، اصلی را به مسئولیت مدنی قضات اختصاص داده است. براساس اصل ۱۷۱ قانون اساسی در خطای قاضی در صدور حکم و وارد آمدن ضرر به اصحاب دعوی جبران خسارت برعهده دولت می‌باشد ولی اگر به موجب تقصیر قاضی در صدور رأی هم در حکم و هم در قرار خساراتی به اصحاب دعوی وارد گردد در دایره شمول اصل ۱۷۱ قانون اساسی نخواهد بود لذا مسئولیت با خود قاضی خواهد بود. در نظر مقنن واژه‌ی تقصیر و اشتباه در اصل ۱۷۱ قانون اساسی تعبیر دیگری از خطای عمدی و غیرعمدی محسوب است. اگر چه در خصوص اشخاص عادی تقصیر اعم از اینکه عمد و یا غیر عمد و یا در حکم عمد باشد اثر مهمی در مسئولیت آنها ندارد ولی در خصوص مسئولیت مدنی قاضی تقسیم‌بندی تقصیر به عمد و یا غیرعمد و یا در حکم عمد منشأ اثر خواهد بود، چون که چنانچه تقصیر غیرعمدی باشد قاضی در مقابل خسارات ناشی از آن مسئولیتی ندارد. جبران خسارات ناشی از تقصیر قاضی به عهده‌ی خود قاضی می‌باشد ولی در صورتی که قاضی مرتکب اشتباهی شود و در نتیجه آن خسارتی به کسی وارد شود خسارت به وسیله‌ی دولت جبران می‌شود. نکته مهم در این جا عبارت از معیار و نحوه‌ی تشخیص تقصیر قاضی است که در نتیجه‌ی آن مسئولیت از دولت رفع

اعاده حیثیت روش دیگر جبران خسارت ناشی از صدور رأی خطا می‌باشد. به عبارتی اعاده حیثیت نیز یکی از طرق جبران زیان وارده محسوب می‌شود و همچنین در امور کیفری در صورتی که در اثر اشتباه قاضی و یا مأمورینی که در تحقیقات مقدماتی نقش دارند فردی بی‌گناه مجازات شود اعم از حبس، شلاق، قطعید و غیره، و سپس برائت حاصل نماید چون مسئولیت بر دوش دولت قرار گرفته و دولت باید خسارات حاصله را جبران نماید و با توجه به اینکه دولت دارای شخصیت حقوقی بوده و صدور حکم کیفری علیه دولت و همچنین مقابله به مثل در مورد اشخاص حقوقی اعم از اشخاص حقوقی، حقوق عمومی و یا حقوق خصوصی و تحمیل مجازات‌هایی چون حبس، اعدام و شلاق که خاص اشخاص حقیقی است بر اشخاص حقوقی امکان‌پذیر نبوده و غیر معقول می‌باشد، بنابراین در این گونه موارد باید دولت را به عنوان شخص حقوقی حقوق عمومی مسئول اعاده حیثیت دانست.

۶. نتیجه

در مقاله حاضر به بررسی این سؤال پرداخته شد که مسئولیت جبران خسارت ناشی از صدور رأی خطای حاکم چگونه بوده و روش‌های جبران خسارت به چه صورت است؟ نتایج نشان داد در فقه و به تبع آن در حقوق ایران قضات در صورت تقصیر یا بی‌مبالاتی غیرمتعارف، مسئولیت مدنی دارند. مطابق موازین فقهی، در صورت صدور رأی خطا، هرگاه ضرری از حکم قاضی متوجه جان و مال کسی گردد چنان چه قاضی خطا کار باشد یعنی در اجتهاد و استنباط حکم دچار اشتباه شود جبران خسارت بر عهده‌ی بیت‌المال است ولی چنان چه قاضی عمداً و در نتیجه‌ی تقصیر و جور حکم زیان باری

می‌شود و شخص قاضی عهده‌دار آن می‌گردد، بدون تردید برای این تشخیص باید ضرورت‌های شغل و حرفه‌ی مهم قضا را مدنظر داشت و خطاهایی را که حتی دقیق‌ترین مردم ممکن است در این مقام مرتکب شوند به خاطر داشت و رفتار یک قاضی متعارف را مدنظر داشت، در این اصل میان تقصیر و اشتباه قاضی تفکیک و تمایزی به‌عمل‌آمده است. بنابراین مقنن تقصیر و اشتباه را در این اصل دو عنوان مترادف و یکسان ندانسته است. در خصوص شیوه جبران خسارت نیز نتایج نشان داد که اعاده به وضعیت سابق، جبران مالی و اعاده حیثیت مهم‌ترین روش‌های جبران خسارت است و مرجع تشخیص تقصیر، قاضی دادگاه عالی انتظامی قضات خواهد بود که در صورت صدور رأی بر تقصیر قاضی، زیان‌دیده می‌باید در دادگاه عمومی شهرستان اقدام به طرح دعوی علیه قاضی صادرکننده رأی بنماید.

منابع

فارسی

- ابوالحمد، عبدالحمید، حقوق اداری، چاپ دوم، تهران، انتشارات توس، ۱۳۷۶.
- اسدی، لایلا، «اشتباه قاضی و نحوه جبران خسارت»، نشریه ندای صادق، شماره بیست و پنجم، ۱۳۸۱.
- انواری اغلوبیگ، بهرام؛ موسوی، سید محمد صادق، «واکاوی مستندات مسئولیت قانونی مبتنی بر تقصیر قاضی»، مجله مطالعات فقه و حقوق اسلامی، شماره هفدهم، ۱۳۹۶.
- بهرامی احمدی، حمید، مسئولیت مدنی، چاپ اول، تهران، انتشارات میزان، ۱۳۸۲.
- تاجمیری، امیر تیمور، حقوق مدنی، جلد چهارم، چاپ اول، تهران، مؤسسه فرهنگی آفرینه، ۱۳۷۵.
- توکلی، سعید، «اشتباه قاضی»، نشریه دادرسی، شماره چهل، ۱۳۸۲.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر، ترمینولوژی حقوق، چاپ چهارم، تهران، انتشارات گنج دانش، ۱۳۶۸.
- ره پیک، حسن، حقوق مدنی و الزامات بدون قرارداد، چاپ دوم، تهران، انتشارات خرسندی، ۱۳۹۹.
- شریعت باقری، محمد جواد، «چرایی و چگونگی تعیین قانون حاکم بر مسئولیت مدنی»، مجله تحقیقات حقوقی، شماره هفتاد و دوم، ۱۳۹۴.
- کاتوزیان، ناصر، الزام‌های خارج از قرارداد ضمان قهری (مسئولیت مدنی)، جلد اول، چاپ چهارم، تهران، انتشارات شرکت سهامی ۱۳۷۴.
- ملک زاده، فهیمه، «اشتباه قاضی در مقام صدور و اجرای حکم و نحوه جبران خسارت آن نشریه»، فقه، حقوق و علوم جزا، شماره ۱، جلد ۳، پاییز ۱۳۹۵.
- موسوی کرمانشاهی، سیدسجاد، «بررسی فقهی ضمان خسارات ناشی از خطای قاضی»، فصلنامه پژوهش‌های فقهی تا اجتهاد، شماره سیزدهم، ۱۳۹۳.
- موسی زاده، رضا، حقوق اداری، چاپ سوم، تهران، انتشارات میزان، ۱۳۷۸.
- میرداداشی، سید مهدی، «مبانی فقهی حقوقی مسئولیت مدنی دولت»، مجله حقوق اسلامی، شماره سی و هفتم، ۱۳۹۲.

عربی

- یوسفی آهنگر کلایی، علی و سایرین، ابهری، حمید، «مسئولیت قاضی در صدور و اجرای حکم»، پژوهش‌های حقوقی میان رشته‌ای، شماره ۶، تابستان ۱۴۰۰.
- ابن ادريس حلی، کتاب السرائر: الحاوی لتحریر الفتاوی، جلد سوم، چاپ ششم، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۹۰.
- ابن فرحون، ابراهیم، الדיباج المذهب، ج ۱، قاهره، چاپ محمد احمدی ابوالنور، ۱۳۹۴.
- انصاری، محمدعلی، الموسوعه الفقهیه المیسره ویلیها الملحق الاصولی، جلد ۹، چاپ اول، قم، انتشارات مجمع الفكر الاسلامی، ۱۳۸۹.
- حرعاملی، محمد بن حسن، تفصیل وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، جلد نوزدهم، قم، موسسه آل البيت علیهم السلام، ۱۴۰۹.
- شیخ صدوق، علل الشرائع، جلد اول، چاپ سوم، قم، نشر علمیه، ۱۳۹۸.
- شیخ صدوق، محمد بن علی بن بابویه، من لا یحضره الفقیه، جلد سوم، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۶۷.
- طباطبایی یزدی، سید محمدکاظم، ملحقات عروه الوثقی، جلد سوم، قم، مکتبه الداوری، ۱۴۲۱.
- محقق حلی، ابوالقاسم نجم‌الدین جعفر بن حسن، شرایع الاسلام، جلد دوم، چاپ سوم، قم، اسماعیلیان، ۱۴۰۸.
- میرزای نائینی، میرزا حسن، منیه الطالب فی حاشیه المکاسب، تهران، المکتبه المحمديه، ۱۳۷۳.
- نجفی، محمدحسن، جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام، جلد چهل، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۴.



پښتونستان د علومو او انساني مطالعاتو فریښی
پرتال جامع علوم انسانی